

## قاعده‌انگاری حفظ ثغور مسلمانان در حکومت اسلامی

دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۶ تأیید: ۱۴۰۰/۴/۲۲ طها زرگریان\*  
و احسان شهسوار\*\* و سیدابوالقاسم حسینی زیدی\*\*\*

### چکیده

مطالعات علوم سیاسی، حاکی از آن است که توسعه در جامعه منوط به تحقق امنیت؛ اعم از مرزهای خاکی، آبی و هوایی است. محافظت از مرزها در نظام سیاسی اسلام از اهمیت به سزایی برخوردار است. آیات و روایاتی در آموزه‌های اسلامی وجود دارد که مستقیماً دستور به صیانت از مرزهای مسلمانان می‌دهد. اهمیت مرزبانی در فقه امامیه مشهود است. لکن علی‌رغم جایگاه ویژه مرزبانی در نظام سیاسی اسلام، موضوع مرز در فقه امامیه در حد یک حکم فقهی غالباً مستحب باقی مانده است. اما ناظر بر گستردگی و اهمیت بحث حفظ مرزها در اسلام، می‌توان این موضوع را در قامت یک قاعده فقهی بحث کرد. از جمله مواردی که در دست فقیه جامع الشرائط به مثابه ابزار وضع حکم کاربرد دارد، استفاده از «قاعده فقهی» است. ویژگی مهم قاعده فقهی به دایره شمول آن باز می‌گردد. با در دست داشتن قاعده فقهی، می‌توان مسائل مختلف را بر این قواعد، عرضه و تطبیق کرد تا سریع‌تر به کشف حکم شرعی رسید. در مقاله حاضر تلاش شده است، مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس منابع قرآنی، روایی، عقلایی و کلام فقهی، علاوه بر اثبات وجوب مرزداری در نظام فقهی امامیه، به «قاعده‌انگاری حفظ ثغور مسلمین در حکومت اسلامی» پرداخته شود.

### واژگان کلیدی

حفظ ثغور، حکومت اسلامی، امنیت مرزها، مرزبانی در فقه امامیه

\* عضو هیأت علمی دانشگاه آیة‌الله بروجردی ؛ tahazargaviyan93@abru.ac.ir  
\*\* دانش آموخته حوزه علمیه و دانشجوی دکتری فقه جزایی دانشگاه علوم اسلامی رضوی:  
alghaath@yahoo.com  
\*\*\* دانش آموخته حوزه علمیه و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی:  
Abolghasem.6558@yahoo.com



## مقدمه

فقه‌های امامی با تلاش فراوان سعی کرده و می‌کنند تا همه قوانین و مقررات نظام اداری جامعه خویش را در همه ابعاد، مبتنی بر حکم الهی نمایند. وضع قوانین و مقررات در نظام اسلامی به شیوه‌های معتبر استنباط احکام اسلامی باز می‌گردد. فقیه امامی با در دست داشتن ابزار استنباط، اقدام به وضع احکام می‌کند. دانش اصول فقه از جمله این ابزار است که از دقت فراوان برخوردار است. از دیگر ابزار وضع احکام در فقه امامی، موضوع «قاعده فقهی» است که از اهمیت بالایی برخوردار است. قاعده فقهی، دستورها و بنیادهای کلی هستند که فقیه را در فرآیند استدلال و وضع حکم یاری می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۳ و محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۳). با توجه به مطالب مذکور، باید گفت موضوع مرزرداری در نظام سیاسی اسلام با همه گستردگی و اهمیت بالایش، در حد یک حکم فقهی؛ آن هم غالباً در اندازه امور مستحب باقی مانده است. لکن به نظر می‌رسد می‌توان موضوع مرزبانی در نظام سیاسی اسلام را در قامت یک «قاعده فقهی» به بحث گذاشت. مرزبانی از مرزهای مسلمانان در قرآن کریم با نگاه ویژه‌ای به پیامبر ۹ ابلاغ شده است. روایات معصومان: پیرامون مرزبانی از سرحدات مسلمانان در دوره‌های مختلف سیاسی، بسیار قابل تأمل هستند و حاکی از جایگاه حساس مرزرداری در اسلام است. سیره عقلا به موضوع مرزبانی یک نگاه ویژه و حیاتی دارد. بر اساس این حساسیت‌ها، به نظر می‌رسد موضوع حفظ مرزها در نظام فقه امامی، نباید در حد یک حکم فقهی که غالباً از باب استحباب در باره آن بحث شده است، باقی بماند، بلکه این حساسیت‌ها، ظرفیت موضوع مرزبانی را در نظام سیاسی اسلام به قامت یک «قاعده فقهی» هدایت می‌کند. در پژوهش حاضر تلاش شده است تا علاوه بر اثبات «وجوب» مرزرداری در نظام فقهی امامیه، بر اساس مستندات معتبر قاعده‌انگاری در فقه امامی، به «قاعده‌انگاری حفظ ثغور مسلمین» پرداخته شود.

## اهمیت تحقیق

موضوع امنیت در عصر حاضر از جمله موضوعات دست اول و پُر هزینه هر کشور

است. دست‌اندازی‌های ناتمام بعضی از کشورهای متجاوز به مرزهای خاکی، آبی و هوایی کشورهای دیگر باعث شده است تا نظام حقوقی کشورها، قوانین و مقررات دقیقی برای حفاظت از مرزهای خود وضع کنند. کشورهای اسلامی به دلایل مختلف سیاسی، فرهنگی و جغرافیایی، از خطرات احتمالی مرزها مصون نیستند و طبیعاً نیازمند قوانین و مقررات خاص حقوقی خود هستند. از آن جا که نظام حقوقی کشور ایران بر اساس اصل چهارم قانون اساسی، لازم است مبتنی بر موازین اسلامی باشد، شایسته است موضوع مرزداری در شریعت اسلامی با تمام اهمیت و قواعد آن، مورد ارزیابی واقع شود. مطالعات فقهی بیان‌گر آن است که مرزداری در فقه امامیه برخوردار از این ظرفیت است که در قامت یک قاعده فقهی به آن نگریسته شود. لزوم یک قاعده فقهی در فقه امامیه از ضوابط خود تبعیت می‌کند که اثبات آن قاعده می‌تواند به مناسبت موضوع، جایگاه فردی و اجتماعی مؤثری برای مسأله مورد نظر در جامعه تعریف نماید.

### پیشینه تحقیق

مطالعات حوزه مرز، بیان‌گر آن است که پژوهش‌های ارزشمندی در این حوزه به تحریر در آمده است. لکن دسته‌ای از این پژوهش‌ها در حوزه مسائل نظامی است که دوربودن آن‌ها از بحث حاضر روشن است. دسته‌ای دیگر از پژوهش‌های موجود که البته بسیار بسیار قلیل هستند، مرتبط با حوزه فقهی است. این دسته از پژوهش‌های فقهی، غالباً به اهمیت مرزبانی در اسلام و بیان فضیلت آن پرداخته و نهایتاً آن را در حد یک حکم فقهی باقی‌گذارده‌اند. با مراجعه به کتب فقهی؛ مانند «تحریر الوسیله» از امام خمینی<sup>1</sup> و «جواهر الکلام» از جناب نجفی<sup>2</sup> می‌توان مبانی فقهی بحث رابطه را مورد مطالعه قرار داد. نوآوری پژوهش حاضر که البته وجه تمایز این مقاله با پژوهش‌های موجود است، موضوع اثبات وجوب مرزبانی در نظام فقهی امامیه در قامت یک قاعده فقهی است. موضوعی که نگارندگان تلاش کردند تا با تمرکز فقهی و به دور از پراکندگی که غالباً در کتب فقهی موجود است، آن را با عنوان «قاعده‌انگاری حفظ ثغور مسلمین» به بحث بگذارند.

## مفهوم شناسی

واژگان «قاعده»، «قاعده‌انگاری»، «ثغور» و «رباط»، از مفاهیم اساسی پژوهش حاضر هستند که تعریف آن‌ها برای تبیین بحث، ضروری است.

الف) قاعده: واژه «قاعده» در منابع لغوی به معنای اصل و اساس است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۴۳ و ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۳۷). تعریف «قاعده» در کلام فقها با اختلاف نظر مواجه است. مانند این که گفته شده است: «قواعد فقهی دستورهای کلی فقهی هستند که در باب‌های گوناگون راه دارند» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۳ و جمعی از مؤلفان، بی تا، ص ۱۶۷) یا این که گفته می‌شود: «قواعد فقه، نهادها و بنیادهای کلی فقهی هستند که با توجه به کلیت و شمول خود، فقیه در موارد مختلف از آن‌ها استفاده می‌کند» (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۳). قدر متیقن تعاریف موجود از این قرار است که چیزی می‌بایست به عنوان یک قاعده فقهی طرح شود که دارای ثبات، استحکام و استقرار باشد، نه این که با یک احتمال صرف، بنیان آن از هم بپاشد (جعفری تبریزی، ۱۴۱۹ق، ص ۷۷).

ب) قاعده‌انگاری: قاعده‌انگاری در اصطلاح فقه امامی به معنای مراجعه به منابعی است که می‌توانند به عنوان منبع کشف قاعده باشند و یک سری قواعد کلی را استخراج کنند که به منزله یک قاعده فقهی بتواند به یاری فقیه آمده و مسیر کشف حکم را برای وی آسان نماید (مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۹).

ج) ثغور: واژه «ثغور» جمع کلمه «ثغر» به معنای متفاوتی در منابع لغتی به کار رفته است. معانی شکاف، گذرگاه و سوراخ، معانی نزدیک به همی است که در یک ردیف مفهومی دسته‌بندی می‌شوند (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۶۰۵ و ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۷۸). اولین دندان‌های رویده‌شده انسان که به منزله یک مرز برای دهان محسوب می‌شود، از دیگر معانی واژه «ثغر» در منابع لغوی است (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۶۰۵ و ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۴۸۳).

د) رباط: واژه «رباط» از ریشه «ربط»، به معنای بستن، مواظبت و مداومت بر امری داشتن است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۴۲۳-۴۲۲ و ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۱، ص ۳۱۵).

از این رو، به چیزی که مشک یا حیوان و غیر آن را به واسطه آن ببندند، رباط گفته می‌شود (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۳، ص ۱۱۲۷). واژه «رباط» در اصطلاح فقهی به مفهوم مرزداری، اقامت و ذخیره نیرو در مرزها و سرحدات یک سرزمین برای جلوگیری از هجوم دشمنان است (علامه حلی، ۱۴۱۶ق، ج ۹، ص ۴۵۱؛ فاضل مقداد، بی تا، ج ۱، ص ۳۸۸ و راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۳۸).

### موضوع شناسی

قاعده حفظ ثغور مسلمانان در حوزه مباحث فقه سیاسی و حقوق بین الملل عمومی اسلام قابل طرح است و در باب‌های جهاد، دفاع، حکومت و ولایت فقیه، قابل بحث و بررسی است. هم‌چنین مبحث مرزداری در عرصه عمل با موضوع جنگ و تعارض گره خورده است. لکن موضوع پژوهش حاضر، رابطه و مرزبانی در فقه امامی است که فارق از ارتباط عملی آن با مسأله جنگ و حالت تعرض، تنها نگرانی و استعمال اوضاع مرزی مورد نظر است. بر اساس مشاهدات عینی و هم‌چنین منابع علمی، مرز در ابعاد خاکی، هوایی و دریایی، قابل بحث و بررسی است. از مجموع نظریات موجود در باره گستره مرزها می‌توان این چنین نگاشت که گستره مرز، عبارت است از مناطق بین دشمنان و مسلمانان که مورد تهدید است (ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۱، ص ۴۲۱). مناطق اطراف یک سرزمین که حد فاصل بین مسلمانان و کفار قرار گرفته و مورد تهدید است (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۱۳). همه شکاف‌ها و گذرگاه‌های امنیتی یک سرزمین؛ چه در دهانه یک کوه یا دره باشد، چه در یک جاده هموار که از سوی بیگانگان تهدید می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۷۹ و ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۰۳). بر اساس مطالب مذکور، قاعده‌انگاری پژوهش حاضر در تمامی گستره مرزهای خاکی، آبی و هوایی قابل بحث و بررسی است.

### مستندات قاعده حفظ ثغور مسلمانان

بر اساس تحقیقات صورت گرفته می‌توان ادله قرآنی، روایی، عقلایی و کلام فقها را به عنوان مستندات قاعده‌انگاری حفظ حرمت ثغور مسلمانان به بحث گذارد.

## حفظ ثغور مسلمانان در استنادات قرآنی

قاعده‌انگاری باید بر اساس ادله محکم، صریح و غیر قابل منازعه باشد. بر این اساس، لازم است آیاتی به عنوان مستندات قرآنی قاعده به بحث گذارده شود که از هرگونه ابهامی به دور باشد. سه آیه در سوره‌های آل عمران، انفال و نساء، ظرفیت استناد برای قاعده مورد نظر را دارا هستند.

الف) آیه شریفه (۲۰۰) سوره آل عمران (وَ رَابِطُوا): «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ ای اهل ایمان! شکیبایی کنید و دیگران را هم به شکیبایی وا دارید و با یکدیگر پیوند و ارتباط برقرار کنید و از خدا پروا نمایید تا رستگار شوید.

همان‌طور که از آیه شریفه فوق قابل مشاهده است، خداوند (عزوجل) به صراحت و به صورت مطلق، امر به «رابطوا» می‌نماید. به طور کلی دو تفسیر قابل توجه از واژه «رابطوا» در آیه فوق، مورد نظر مفسرین است. نخست آن که واژه «رابطوا» را به مفهوم ارتباط داشتن با ائمه : تفسیر می‌کنند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۱۱ و شبر، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۱۸). دوم آن که واژه «رابطوا» را به مفهوم اقامت در مرزها جهت مرزبانی و آمادگی برای جنگ با دشمنان تفسیر می‌کنند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۶۰؛ ثعالبی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۵۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۸۴؛ سبزواری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۸۱ و حسینی شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۴۳۸). آن چه که ظاهر است، ترکیب واژگان «اصبروا وَ صابرُوا وَ رابطُوا» است که تصریح در مفاهیم آمادگی دفاعی، مرزبانی، مزداری و دفاع از مسلمانان و دین است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۹۱۹-۹۱۸). روایت امام محمد باقر ۷ از واژه «رابطوا» در آیه مورد نظر که می‌فرماید: «رابطوا؛ یعنی جلوی دشمن صف‌آرایی کنید» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۹۱۸ و حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۲۸)، تفسیر مزداری و مرزبانی را از آیه مورد بحث قوی‌تر می‌کند. لکن همان‌طور که در بخش مفهوم‌شناسی گذشت، معلوم شد که واژه «رابط» به معنای بستن، مواظبت و مداومت بر امری است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۴۲۳-۴۲۲ و ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۱، ص ۳۱۵). بر این اساس، اگر تفاسیری غیر از وجوب حفظ

مزداری، مانند ارتباط داشتن با ائمه : از آیه شریفه برداشت شود، با اطلاق واژه «رباط» در تعارض نیست. ضمن این که بعضی از مفسرین بر این باور هستند که مفهوم ارتباط داشتن با ائمه : از معنای وسیعی برخوردار است و دفع دشمنان ایشان با جنگ و دفاع، از اعظم فرایض ارتباط با ائمه : و حفظ اسلام است (طیب، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۴۷۱). بر این اساس است که گفته شده: «به واسطه امامت، نماز و زکات و روزه و حج و جهاد و فراوانی غنائم و صدقات و اجرای حدود و احکام و مرزبانی سرحدات و اطراف تحقق می‌یابد» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۶۰۰). بعضی از مفسرین در جمع‌بندی نهایی آیه مورد بحث بر این باور هستند که واژه «مرباطه» معنای وسیعی دارد و هر گونه آمادگی برای دفاع از خود و جامعه اسلامی را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۳۴).

ب) آیه شریفه ۶۰ سوره انفال (وَ مِنْ رِبَاطٍ):

«وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ»؛ و در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید؛ از نیرو و اسبان ورزیده آماده کنید تا به وسیله آن‌ها دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنانی غیر ایشان را که نمی‌شناسید، ولی خدا آنان را می‌شناسد، بترسانید و هر چه در راه خدا هزینه کنید، پاداشش به طور کامل به شما داده می‌شود و مورد ستم قرار نخواهید گرفت.

پُر واضح است که آیه شریفه فوق در فضای مقابله با دشمنان و حفظ و حراست از جامعه اسلام و مسلمین سخن می‌گوید. واژه «رباط» در آیه مورد نظر، از معنای لغوی خود دور نمانده و با تأکید بر معنای مواظبت و مداومت، به مفهوم مقاومت در برابر دشمنان اسلام است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۴۲۳-۴۲۲ و ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۱، ص ۳۱۵). بی‌تردید مرزهای جامعه اسلام در عصر نزول آیه از جمله مهم‌ترین داشته‌های مسلمانان بوده است که ازدست‌دادن حتی یک وجب از آن به صلاح جامعه اسلام نبوده است. از این رو است که مفسرین قرآنی، واژه «رباط» را در آیه مورد بحث،



به مفهوم آمادگی کامل برای مرزداری و مرزبانی تفسیر می‌کنند (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۳۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۹۱۸؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۲۲۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۴۷۴؛ ابن عطیسه، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۵۶۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۶۰؛ میبلی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۹۳؛ نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۳۶؛ ابوالسعود، بی تا، ج ۲، ص ۱۳۶؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۴۸۵؛ قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۴۹۰؛ سبزواری، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۲۷ و مراغی، بی تا، ج ۴، ص ۱۷۱).  
 استفاده اهمیت مرزبانی از ثغور مسلمین در آیه مورد بحث، هنگامی تقویت بیش تری می‌گیرد که توجه شود واژه «قُوَّة» به صورت نکره آمده است. نکره بود، واژه «قُوَّة» به گستردگی این واژه در مفهوم خود توجه دارد. این توسعه در مفهوم به همراه مصداق «رباط الخیل» که دستوری ناظر به عصر نزول قرآن است، صراحت بیش تری در اهمیت مرزبانی از ثغور مسلمین دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۲۵).

ج) آیه شریفه ۷۱ سوره نساء (وَمِنْ رِبَاطٍ): «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آمادگی خود را (در برابر دشمن) حفظ کنید و در دسته‌های متعدد یا به صورت دسته واحد، (طبق شرایط هر زمان و هر مکان) به سوی دشمن حرکت نمایید.

عبارت «خُذُوا حِذْرَكُمْ» در آیه فوق به صراحت به مؤمنان دستور می‌دهد که برای رویارویی با دشمن آماده باشند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۱۲). لکن قابل توجه است که آمادگی در برابر دشمن با فعل امر ابلاغ شده است. مشهور اصولیان بر این باور هستند که امر، ظهور در وجوب و لزوم دارد (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۹۴). آیه مذکور، با عبارت «خُذُوا حِذْرَكُمْ» صریحاً به وظیفه حفظ امنیت و دفاع از مرزها به طور دائم اشاره می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴-۳). بعضی از مفسرین، عبارت «حِذْرَكُمْ» را منحصر در اسلحه می‌دانند (همان). لکن در مقابل گفته شده است که اولاً بر اساس تحقیقات لغوی، واژه «حذر» دارای معنای گسترده‌ای است و منحصر به اسلحه نمی‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۷۵). دوماً، مذاقه در آیه ۱۰۲ همین سوره بیان‌گر آن است که خداوند (عزوجل) برای انتقال مفهوم اسلحه، از خود واژه اسلحه

استفاده کرده است: «... أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَ خُذُوا حِذْرَكُمْ»؛ مانعی ندارد که به هنگام ضرورت، در موقع نماز در میدان جنگ سلاح خود را به زمین بگذارید. در آیه مذکور، بعد از عبارت «أَسْلِحَتَكُمْ» از عبارت «حِذْرَكُمْ» استفاده شده است که برداشت معنای اسلحه از واژه «حِذْرَكُمْ» در واقع تحمیل این معنا به آیه شریفه است. عبارت «حِذْرَكُمْ» در آیه شریفه ۷۱ سوره نساء به همان معنای وسیع خود؛ یعنی مراقبت و آماده‌باش متمرکز مسلمین برای دفاع از تجاوز دشمن است (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۳۷۴). بر این اساس است که فقهای امامیه با تأکید بر عبارت «خُذُوا حِذْرَكُمْ»، مرزداری را یک امر واجب می‌دانند (نوری همدانی، ۱۳۸۷/۱۲/۲۷).

#### حفظ ثغور مسلمانان در کلام معصومان :

با مذاقه در منابع روایی امامیه، می‌توان بابتی تحت عنوان معنا و حکم «مراپطه فی سبیل الله» در کنار باب جهاد مشاهده نمود. در گام اول، قابل توجه است که بزرگان امامیه، روایات مرزداری را در کنار باب جهاد بحث می‌کنند. این خود نشان از اهمیت بحث مرزبانان در نظام روایی امامیه است (شیخ صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۳۶۹؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۲۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۲۹ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱۰، ص ۳۵۸). در گام نخست به بحث حفظ مرزهای مسلمین در نهج البلاغه پرداخته خواهد شد. بعد از آن، موضوع اهمیت مرزهای مسلمین در کلام دیگر معصومان : ارزیابی می‌شود.

الف) حفظ مرزهای مسلمانان در نهج البلاغه: با مذاقه در کتاب شریف نهج البلاغه که ملحوف به سخنان امام علی ۷ است، می‌توان نکات قابل توجهی در باره مرزبانان مشاهده نمود. ارزیابی اهمیت مرزداری در کلام امام علی ۷ از آن جهت دوچندان است که ایشان در سال ۳۵ هجری در سن ۵۸ سالگی به خلافت رسیدند و به مدت چهار سال و نه ماه به عنوان خلیفه چهارم شناخته می‌شوند. دوره این امام عظیم الشأن با جنگ‌های پی در پی همراه بود. در آن دوره، امام علی ۷ به عنوان خلیفه مسلمین به بیان نکات نظامی می‌پردازند که مجاهدین اسلام به صورت میدانی با آن مسائل درگیر

بودند. از این جهت است که توجه به مسائل نظامی در کلام امام علی 7 از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با غور در کتاب شریف نهج البلاغه دریافت می‌شود که امام علی 7 بارها و بارها موضوع مرزبانی را مورد دقت قرار داده‌اند. معادل واژه «مربطه» در کتاب نهج البلاغه، واژه «الْمَسَالِح» است. کلمه «الْمَسَالِح» جمع کلمه «المسَلحَة»، به معنای حفاظت مرزها از دشمن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۸۷). امام علی 7 در ضمن نکوهش از فرمانده شکست‌خورده به صراحت می‌فرماید: «اقدام تو، به تاراج مردم قرقیسا در مقابل رهاکردن پاسداری از مرزها انجامید. کسی در آن‌جا نیست تا آن‌جا را حفظ کند و سپاه دشمن را از آن مرزها دور سازد (نهج البلاغه، نامه ۵۰). کلام امام علی 7 در نامه شماره «۵۰» خطاب به فرماندهان نظامی و مرزبانان بسیار قابل تأمل است؛ امام 7 آنان را محرم خود خطاب می‌دارند و می‌فرمایند:

از بنده خدا، علی بن ابی طالب، امیر مؤمنان به نیروهای مسلح و مرزداران کشور، پس از یاد خدا و درود! آگاه باشید! حق شما بر من آن است که جز اسرار جنگی هیچ رازی را از شما پنهان ندارم و کاری را جز حکم شرع، بدون مشورت با شما انجام ندهم (همان).

وقتی خطبه «۲۷» نهج البلاغه مورد ارزیابی واقع می‌شود، می‌توان به وضوح علت نکوهشی که امام علی 7 به یارانش وارد می‌دارد را مشاهده نمود. این که مردی از لشکر شام به خانه زنی مسلمان و زنی غیر مسلمان که در پناه حکومت اسلام بوده وارد شده و خلخال و دستبند و گردن‌بند و گوشواره‌های آن‌ها را به غارت برد؛ در حالی که هیچ وسیله‌ای برای دفاع، جز گریه و التماس کردن، نداشته‌اند، در خطبه «۲۷» مورد اشاره قرار گرفته است. لکن قبل از ذکر این حادثه، امام علی 7 در ضمن نکوهش یاران‌شان به نوعی اشاره به بستر این حادثه تلخ می‌کنند و می‌فرمایند: «فرمانده معاویه، (مرد غامدی) با لشگرش وارد شهر انبار شده و فرماندار من، حسان بن حسان بکری را کشته و سربازان شما را از مواضع مرزی بیرون رانده است» (همان، خطبه ۲۷). لازم به ذکر است که واژه «الْمَسَالِح» در تمامی مصادیق نهج البلاغه به معنای مرزبانی و مرزداري معنا شده است (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۱۷ و نهج البلاغه، نامه ۵۰).

ب) حفظ مرزهای مسلمانان در روایات: بیان فضیلت اعمال در درجات متفاوت از لسان مبارک معصومان : بیان‌گر اهمیت عمل مورد نظر است. از جمله روش‌هایی که می‌توان، اهمیت حفظ ثغور مسلمانان را با آن ارزیابی کرد، بررسی فضیلت مرزبانی در کلام معصومان : است. برپاداشتن نماز از ضروریات دین مبین اسلام است که در باره آن گفته شده است: نماز، آخرین وصایای پیغمبران خدا است (شعیری، بی‌تا، ص ۸۳). با این وجود، پیامبر ۹ در باره مرزبانی می‌فرماید: «یک شب مرزبانی کردن در راه خدا با فضیلت‌تر از روزه و نماز یک ماه است» (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۱۸۳). پاداش شهادت مرزبان در باور معصومان 7 معادل با اجر مجاهد تا روز قیامت است (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۸۷). فضایل مذکور بیان‌گر اهمیت حفظ امنیت مسلمانان در نظام اسلامی است. بر این اساس است که وقتی با امام باقر 7 سخن از مدت مرزبانی به میان آمد، ایشان در پاسخ به این که مدت مرزداری چهل روز است، فرمودند:

مرزداری ما تا پایان روزگار است؛ هر کس مرکبی را برای یاری ما آماده نگاه دارد تا آن مرکب نزد اوست، به اندازه وزن آن، نزد خدا پاداش دارد و هر که سلاحی را برای یاری ما نگاه دارد تا آن اسلحه پیش اوست، هم‌وزن آن پاداش دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۳۸۲ و حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۱۳۹).

نکته قابل توجه این‌جا است که موضوع حفاظت از مرزهای مسلمانان به اندازه‌ای برای معصومان : اهمیت دارد که خواه مانند امام علی 7 خلیفه باشند و خواه مانند دیگر معصومان خلیفه نباشند، اما پیامون اهمیت حفظ ثغور مسلمانان، سخن رانده و با اقتضای شرایط سیاسی زمان خود، به آن پرداخته‌اند؛ مانند این که امام سجاد 7 در آن شرایط خفقان سیاسی، به ثبات مرزهای مسلمانان توجه داشته و دغدغه خود را با دعای بیست و هفتم صحیفه سجادیه در قالب دعا برای «أَهْلِ الثُّغُورِ» به گوش مسلمانان می‌رسانند (علی‌بن‌الحسین، ۱۳۷۶، ص ۱۲۶).

### حفظ ثغور مسلمانان در سیره عقلایی

حفاظت از مرزهای آبی، خاکی و هوایی، موضوعی نیست که اختصاص به مردمی خاص یا آیینی منحصر به فرد داشته باشد. صیانت از مرزها در میان مردمی که به عنوان زمامداران ممالک شناخته می‌شوند، از نان شب هم واجب‌تر است؛ زیرا هستی، استقلال و گستردگی قلمرو خود را در حفظ آب‌ها، خاک‌ها و هوای خود می‌دانند. مطالعات تاریخی بیان‌گر آن است که مسلمانان هم در صیانت از مرزهای خود برای جلوگیری از هجوم و تعرضات دشمنان آشکار و نهان، مقدمات لازم را فراهم کرده و با نگاه سازمانی به این امر می‌نگریستند. حضور دولتی به نام «مرايطون» از نیمه قرن پنجم تا نیمه قرن ششم هجری در مناطق شمال و غرب آفریقا و اسپانیا از نمونه‌های نگاه سازمانی به حفظ مرزداری در میان مسلمانان است (باسورث، ۱۳۸۱، ص ۹۴). با مذاقه در تعاریف قوای نظامی کشورهای جهان، دریافت می‌شود که همه کشورها؛ اعم از توسعه‌یافته و غیر آن، با سرمایه‌گذاری فراوان، اقدام به تربیت نیروهای نظامی در چارچوب مرزبان می‌کنند. وظایف این نیروها، منحصر در مرزبانی است و هزینه‌های زیادی برای حفظ و آموزش این نیروهای تخصصی انجام می‌شود. این امر فراگیر در میان همه کشورها با آیین‌های مختلف، حاکی از سیره عقلایی مرزداری و مرزبانی است. بر این اساس است که فقهای معاصر، مرزبانی را به حکم عقل و عقلا واجب می‌دانند و تأکید می‌کنند کسانی که در یک مرکزی دشمنانی دارند، باید مرزها را حفظ کنند؛ خواه مرز آبی، مرز خاکی و یا مرز هوایی (نوری همدانی، ۱۳۸۷/۱۲/۲۷).

### حفظ ثغور مسلمانان در فقه امامیه

با تتبع در منابع فقهی، معلوم می‌شود موضوع مرزبانی در میان فقها به دو دیدگاه مستحب و واجب تقسیم می‌شود. لکن جهت نظم در ارائه بحث، ارزیابی دیدگاه فقها با طرح دیدگاه استحباب آغاز می‌گردد و ادله آن‌ها مورد نقد و بررسی واقع می‌شود. دیدگاهی که قائل به وجوب مرزبانی است، در ضمن نقد و بررسی ادله دیدگاه استحباب مرزبانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گروهی از فقهای امامیه بر این باور هستند که «مرايطه» از امور مستحب است

(نجفی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۱، ص ۳۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۸؛ طوسی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۵-۱۵۴؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴-۵ و میرزای قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۹۲-۳۹۱). عبارت «مستحب مؤکد» برای مرابطه به هنگام حضور امام معصوم ۷ و عبارت «مستحب غیر مؤکد» به هنگام غیبت امام معصوم ۷، در کلام بعضی از فقها قابل مشاهده است (علامه حلی، ۱۴۱۶ق، ج ۹، ص ۴۵۱).

### ادله و نقد و بررسی

جهت نظم در بحث، نقد و بررسی هر دلیل، ذیل همان دلیل انجام خواهد شد. فقهای که به استحباب مرزرداری باور دارند، به ادله اصل برائت، روایات و حرمت جهاد در عصر غیبت استناد می‌جویند.

### اصل برائت

از میان فقهای که قائل به استحباب مرزرداری هستند، صاحب جواهر الکلام به دلیل اصل برائت توجه خاصی دارد. ایشان بر این باور است، دلیلی از کتاب و سنت که مقتضی وجوب مرزرداری باشد، وجود ندارد. بر این اساس، با رجوع به اصل برائت به استحباب مرزرداری حکم می‌شود (نجفی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۱، ص ۳۱).

### نقد و بررسی دلیل اصل برائت

اصل برائتی که به عنوان دلیل برای استحباب مرزرداری اقامه شده است، یا اصل عقلی است یا اصل نقلی است، لکن هر کدام که باشد، در برابر دلیل قرآنی که به عنوان دلیل اجتهادی شناخته می‌شود، تاب تحمل ندارد. در بخش مستندات قرآنی قاعده به دو عبارت قرآنی که فعل امر بودند و ظهور در وجوب دارند، اشاره شد: اول، آیه ۲۰۰ سوره آل عمران است که با عبارت امری (وَ رَابِطُوا) دال بر وجوب مرزرداری است. دوم، عبارت امری (خُذُوا حِذْرَكُمْ) در آیه ۷۱ سوره نساء است که صریحاً بر وجوب مرزرداری دلالت دارد. بر اساس مطالب مذکور، اگر اصل مطرح شده، برائت عقلی باشد، آیات ۲۰۰ آل عمران و ۷۱ نساء، بر آن ورود دارند و اگر اصل مطرح شده، برائت نقلی باشد، آیات ۲۰۰ آل عمران و ۷۱ نساء بر آن حکومت دارند. هرچند، صاحب جواهر الکلام

در مقام پاسخ به اقامه آیات مذکور، بر این باور است که این آیات، دال بر مدح؛ مرزرداری در قرآن کریم است و مدح، اعم از وجوب و استحباب است (همان). لکن با توجه به افعال امری و البته آیات و روایات دیگر، معلوم می‌شود که انصراف این آیات به استحباب، با قواعد مسلم اصول فقه منافات دارد.

## روایات

فقهایی که قائل به استحباب مرزرداری هستند به روایات متعددی استناد می‌کنند که غالب آن روایات، سخن از ثواب مرزرداری دارند. لکن صاحب جواهر الکلام، جهت استحباب مرزرداری به روایاتی استناد می‌کند که البته آن روایات خارج از بحث ثواب مرزرداری است. در این روایات، تعدادی از مسلمانان قصد مرزبانی در حکومت ظلم را دارند. لکن بعضی از آن روایات به حیث سندی ضعیف است. آن چند روایت موجود هم که سند صحیح دارند، به حیث محتوا تفاوت مهمی با یکدیگر ندارند. بر این اساس، روایت ذیل که هم از جهت سند صحیح است و هم مهم‌تر از بقیه روایات است، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

علی بن ابراهیم، عن محمد بن عیسی، عن یونس، عن ابي الحسن الرضا 7  
قال: قلت له جعلت فداك، إن رجلا من مواليك بلغه أن رجلا يعطى السيف  
و الفرس في سبيل الله فأتاه فأخذهما منه و هو جاهل بوجه السبيل ثم لقيه  
أصحابه فأخبروه أن السبيل مع هؤلاء لا يجوز و أمره بردهما فقال: «فليفعل:  
[قال قد طلب الرجل فلم يجده و قيل له قد شخص الرجل قال: فليربط و لا  
يقاتل. [قال: ففي مثل قزوين و الديلم و عسقلان و ما أشبه هذه الثغور؟  
فقال: نعم [فقال له يجاهد؟ قال: لا إلّا أن يخاف على ذراري المسلمين  
[فقال] أ رأيتك لو أن الروم دخلوا على المسلمين لم ينبغ لهم أن يمنعوهم؟  
قال: [يرابط و لا يقاتل و إن خاف على بيضة الإسلام و المسلمين قاتل فيكون  
قتاله لنفسه و ليس للسلطان [قال قلت: فإن جاء العدو إلى الموضع الذي هو  
فيه مرابط كيف يصنع؟ قال: [يقاتل عن بيضة الإسلام لا عن هؤلاء لأنّ في

دروس الإسلام دروس دین محمد 9» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۱ و طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۲۵).<sup>۱</sup>

روایت مورد نظر به سند «علی بن ابراهیم، عن محمد بن عیسی، عن یونس، عن ابي الحسن الرضا 7» نقل شده است که در منابع امامیه به عنوان روایت صحیح شناخته شده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۳۴۶). استناد مورد نظر در روایت فوق، به عبارت «قال فلیرابط» است که ادعای استحباب مرزداری از آن شده است (نجفی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۱، ص ۳۱).

### نقد و بررسی دلیل روایت

روایت مورد نظر در باره فردی است که قصد جهاد در حکومت ظلم را دارد. وقتی متوجه می شود که این کار جایز نیست، تلاش می کند لوازم جنگ را به صاحبش بدهد، اما صاحب شمشیر و اسب را نمی یابد. معصوم 7 در این شرایط به او دستور می دهد که در مرز متوقف شود، ولی پیکار نکند. معصوم 7 ادامه می دهند که «شیعه ما می تواند در مرز نگهبانی بدهد، ولی حق ندارد پیکار کند و اگر هستی اسلام و مسلمین به خطر افتاد، می تواند پیکار کند. در این صورت پیکار او یک مسأله شخصی است و با حکومت غاصب ارتباطی نخواهد داشت». عبارت مذکور از اهمیت به سزایی برخوردار است. با این که حکومت، حکومت غاصب است، اما حفظ مرزها، حتی با پیکار، از نظر امام 7 لازم است. از این جهت است که معصوم 7 در پاسخ به این که «اگر دشمن بر مرز بتازد و او مشغول نگهبانی باشد، تکلیف او چیست؟» در ادامه روایت فرمودند: «در این صورت از هستی و موجودیت اسلام دفاع می کند، نه از سران حکومت؛ چرا که اگر اسلام پوشالی هم از بین برود، اسلام محمدی نیز از بین می رود». سؤال این جا است که موافقان استحباب مرزداری، چگونه روایت مذکور را دلیل استحباب مرزداری می دانند؟ روایت مورد نظر، تصریح در وجوب مرزداری دارد؛ زیرا علاوه بر این که عبارت «فلیرابط»، صیغه امر است و ظهور در وجوب دارد، مفاد روایت حاکی از آن است که حفظ ثغور اسلام، حتی در حکومت ظلم یک وظیفه مهم بر ذمه مسلمین



است؛ چه رسد به وجوب حفظ مرزها در حکومت اسلام (نوری همدانی، ۱۳۸۷/۱۲/۲۷).

### حرمت جهاد در عصر غیبت

فقهایی که استحباب مرزداری را باور دارند، به حرمت جهاد در عصر غیبت استناد می‌جویند (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۸۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۸ و علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۴۵). لکن در باور این گروه از فقها، رابطه از جمله شوون جهاد است که در عصر غیبت واجب نیست. حال که مرزداری واجب نیست، در این صورت مستحب است؛ زیرا نه تنها متضمن قتال نیست، بلکه حفظ است و اعلام؛ حفظ مرز از نفوذ دشمن و اطلاع از تحرکات دشمن.

### نقد و بررسی حرمت جهاد در عصر غیبت

ارزیابی نظام سیاسی حاکم بر عصر فقهایی که به دلیل «حرمت جهاد در عصر غیبت» قائل به استحباب مرزبانی هستند، می‌تواند به نقد و بررسی دلیل مذکور بیانجامد. نظام سیاسی حاکم بر فقهای متقدم، همگی غاصب بودند. یاری‌رساندن به آنها تحت هر عنوانی جایز نبوده و مصداق اعانت ظالم است. جهاد در راه خدا از بزرگ‌ترین فعالیت‌های مسلمانان است. طبیعی است که اگر جهاد مسلمان در راه تقویت جباران باشد، نه تنها باطل است که گناه است. بر این اساس است که فقهای امامیه شرکت در جهاد را چون متضمن قتال است، در غیبت امام ۷ حرام می‌دانند. اما نکته حائز اهمیت آن است که وقتی فقهای امامیه به بحث مرزبانی در حکوت غاصب می‌رسند، مرزبانی را حرام نمی‌دانند، بلکه آن را مستحب می‌دانند؛ زیرا مرزبانی را مصداق قتال ندانسته و آن را حفظ مرزهای اسلام می‌دانند. در روایت صحیح علی بن ابراهیم هم اشاره شد که معصوم ۷ در باره مرزبانی در حکومت غاصبان فرمودند:

شیعه ما می‌تواند در مرز نگهبانی بدهد، ولی حق ندارد پیکار کند. اگر هستی اسلام و مسلمین به خطر افتاد، می‌تواند پیکار کند. در این صورت پیکار او یک مسأله شخصی است و با حکومت غاصب ارتباطی نخواهد داشت... در

این صورت از هستی و موجودیت اسلام دفاع می‌کند، نه از سران حکومت؛ چرا که اگر اسلام پوشالی هم از بین برود، اسلام محمدی نیز از بین می‌رود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۱ و طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۲۵).

اما نکته اساسی آن است که اگر نظام حاکم به دست شیعیان اداره شود، آیا باز هم مرزبانی مستحب است؟ فقهای متقدم با عبارت «حرمت جهاد در عصر غیبت» به استحباب مرزداری حکم می‌کنند. اول آن که مفهوم عصر غیبت با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی آن دوران، چیزی غیر از حکومت جباران نبوده و تصور حکومت اسلامی هم نزدیک به محال بوده است. دوم آن که توجه به این نکته ضروری است که مگر مرزبانی جهاد ابتدایی است که مشمول حرمت در عصر غیبت شود؟ مرزبانی، جهاد دفاعی است؛ دفاع از تحركات و فتنه‌های دشمن برای نفوذ به مرزهای اسلام. جهت تبیین بحث و تکمیل نقد و بررسی دلیل حاضر، می‌توان آرای حضرت امام خمینی 1 را مورد واکاوی قرار داد.

### وجوب شرعی و عقلی مرزبانی در اندیشه امام خمینی 1

اهمیت دیدگاه حضرت امام خمینی در باره حکم مرزبانی در حکومت اسلامی، از آن جهت است که شیعیان تا قبل از ایشان، هیچ‌گونه حکومت واحده‌ای که تمام و کمال، مبتنی بر قرآن و آرای معصومان : باشد را به این وسعت تجربه نکرده‌اند. حفظ و حراست از حکومت اسلامی که شیعیان آن را اداره می‌کنند، مانند بسیاری از حکومت‌ها مستلزم لوازمی است که رهبر حکومت، آگاهی لازم را به آن داشته و حکم شرعی و عقلی آن را تبیین می‌کند.

با تتبع در اقوال حضرت امام خمینی 1 معلوم می‌شود که ایشان سخنان متعددی در باره مرزبانی دارند. وقتی اقوال ایشان پیرامون مرزبانی کنار یک‌دیگر قرار می‌گیرد، معنا و مفهوم عمیقی در باره ثغور مسلمانان در نظر ایشان کشف می‌شود. نکته مهم این جا است که امام خمینی 1 حفظ ثغور مسلمانان را اساساً از ادله تشکیل حکومت اسلامی معرفی می‌کنند. گاهی اوقات می‌توان این گونه بحث کرد که چون حکومت اسلامی

داریم، در این صورت، حفظ مرزها واجب است. اما ایشان این گونه بحث نمی‌کنند؛ ایشان بر این باور هستند که چون حفظ ثغور مسلمانان مهم است، باید حکومت اسلامی تشکیل داد. از این جهت است که ایشان می‌فرمایند:

لازم است که فقها اجتماعاً یا انفراداً برای اجرای حدود و حفظ ثغور و نظام، حکومت شرعی تشکیل دهند. این امر، اگر برای کسی امکان داشته باشد، واجب عینی است و گرنه واجب کفایی است. در صورتی هم که ممکن نباشد، ولایت ساقط نمی‌شود؛ زیرا از جانب خدا منصوب هستند (امام خمینی، ۴۲۳ق، ص ۵۳-۵۲).

امام خمینی 1 در باره همین موضوع، در جای دیگری می‌فرماید:

احکامی که راجع به حفظ نظام اسلام و دفاع از تمامیت ارضی و استقلال امت اسلام است، بر لزوم تشکیل حکومت دلالت دارد. مثلاً این حکم: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» که امر به تهیه و تدارک هر چه بیش‌تر نیروی مسلح و دفاعی به طور کلی است و امر به آماده‌باش و مراقبت همیشگی در دوره صلح و آرامش، آیه دستور می‌دهد که تا حد امکان نیرومند و آماده باشید تا دشمنان نتوانند به شما ظلم و تجاوز کنند (امام خمینی، ۴۳۴ق، ص ۳۰).

و جوب دفاع از مرزهای مسلمانان در دیدگاه امام خمینی 1 منوط به ظهور معصوم 7 نیست؛ زیرا اگر مرزهای مسلمانان با جدیت تمام حفاظت و حراست نشود، کیان حکومت اسلامی بر باد خواهد رفت. از این جهت است که ایشان به صراحت اعلام می‌دارند:

چنان که دشمنان اسلام، سرزمین‌ها و ثغور مسلمانان را فرا بگیرند و ترس از بین رفتن اصل اسلام و جامعه اسلامی برود، دفاع با هر وسیله ممکن؛ هرچند با بذل مال‌ها و جان‌ها، واجب است. این مهم مشروط به حضور امام و اذن از او یا نایب خاص یا عام ایشان هم نیست، بلکه بر هر مکلفی واجب است با هر وسیله‌ای بدون هیچ‌گونه قید و شرطی دفاع کند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ص ۳۷۸).

جایگاه و اهمیت وجوب مرزهای مسلمانان در اندیشه امام خمینی 1 به رابطه مستقیم حفظ مرز با اساس حکومت اسلامی باز می‌گردد. ایشان در این باره می‌فرمایند: «معنای نداشتن حکومت این است که تمام حدود و ثغور مسلمانان از دست برود و ما با بی‌حالی دست روی دست بگذاریم که هر کاری می‌خواهند بکنند» (امام خمینی، ۱۴۲۳ق، ص ۵۰). بر این اساس است که امام خمینی عدم لزوم مرزبانی را در حکومت اسلامی از هیچ‌کس نپذیرفته و با صراحت اعلام می‌دارد که:

هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید دیگر لازم نیست از حدود و ثغور و تمامیت ارضی وطن اسلامی دفاع کنیم یا امروز مالیات و جزیه و خراج و خمس و زکات نباید گرفته شود یا قانون کیفری اسلام و دیات و قصاص باید تعطیل شود» (همان، ص ۲۸-۲۷).

با مذاقه در کلام امام خمینی 1 می‌توان وجوب شرعی و عقلی مرزبانی را در نظام اسلامی دریافت نمود؛ زیرا حفظ امنیت مسلمانان از تأکیدات مکرر آیات و حیانی است. امنیت در نظام و حیانی به عنوان یک نعمت با ارزش معرفی شده است (سبأ (۳۴): ۱۸) که تحقق آن از مقدمات مهم‌ترین مؤلفه‌های اداره کشور؛ یعنی ساماندهی اقتصادی است (نحل (۱۶): ۱۱۲). بر این اساس است که پیامبر اکرم 9 می‌فرماید: «هر کس شب و روز خود را سپری کند و از سه چیز برخوردار باشد، نعمت دنیا را کامل دارد. کسی که بام و شامش را در تن‌درستی و آسایش خاطر بگذراند (امنیت جانی و مالی داشته باشد)...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۴۸). مرزبانی از برجسته‌ترین مصادیق دفاع از امنیت مسلمانان است که وجوب شرعی آن بر پایه کتاب و سنت و وجوب عقلی آن بر پایه سیره عقلا قابل فهم است. از این رو است که امام خمینی 1 فرمودند: «حفظ ثغور و سرزمین مسلمانان از تهاجم و غلبه متجاوزان یک واجب عقلی و شرعی است» (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶۱۹). نکته قابل توجه آن است که وقتی بحث مرزداری در اندیشه صاحب‌نظران متقدم و مخصوصاً نزدیک به انقلاب اسلامی بررسی می‌شود، وجوب ثغور در کلام و آرای آن‌ها نمایان‌تر می‌شود. آیه‌الله نوری همدانی از مراجع حال حاضر در این باره می‌فرماید:

در ولایت فقیه، ظلم باید قلع و قمع شود. یکی از شئون حکومت اسلامی هم جهاد است. جهاد هم مسلماً مقدماتی می‌خواهد، یکی از مقدمات مهم لواحق و آثار جهاد حفظ مرزها است. چه مرز آبی باشد، چه مرز خاکی باشد، چه مرز هوایی باشد. لکن فقهای که به استحباب مرزداری قائل بودند، در حکومت جور می‌زیستند. فقیه بودند، اما مبسوط‌الید نبودند و حکومت اسلامی وجود نداشت. حکومت دست ظالم بود و یاری‌کردن آن‌ها حرام بود. اما وقتی حکومت به دست فقیه است، مرزبانی واجب است (نوری همدانی، ۱۳۸۷/۱۲/۲۷).

این نکته قابل توجه است، فقهای که مرزبانی را در اصل حکم مستحب می‌دانند، وقتی به بحث ضرورت می‌رسند، مرزبانی را واجب دانسته و سخن از احتمال خطر و غلبه دشمنان اسلام به میان می‌آورند (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۷۶ و مقدس اردبیلی، بی‌تا، ص ۱۴۴). لکن در مقام پاسخ باید گفت مگر تصویری غیر از احتمال هر لحظه خطر برای مرزهای مسلمانان قابل تصور است؟ دشمنان اسلام و مسلمانان با تجهیزات جاسوسی و نظامی، لحظه‌ای از نفوذ به مرزهای آبی، خاکی و هوایی غافل نیستند. از این رو است که امام خمینی ۱ در چهارمین سالگرد تأسیس نظام جمهوری اسلامی، خطاب به ملت ایران و نیروهای مسلح فرمودند:

لازم است قوای مسلح تا آخرین نقطه و تا پیروزی نهایی دارای آمادگی لازم بوده و از نیرنگ و خطر دشمن در هیچ حال غافل نباشند... رزمندگان معظم در مرزها، سنگرها و پایگاه‌ها، خود را محکم کنند و لحظه‌ای از هجوم دشمن غفلت نورزند که لحظات پیروزی بسیار حساس است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۱۵۶).

### نتیجه‌گیری

وضع قوانین و مقررات در حوزه‌های مختلف، بیان‌گر دقت‌ها و حساسیت‌های نظام حاکم بر هر کشوری است. مطالعات علوم سیاسی در عصر حاضر نشان می‌دهد که

متولیان کشورها؛ مخصوصاً کشورهای توسعه‌یافته به موضوع حفظ امنیت، بالأخص موضوع امنیت مرزها؛ اعم از خاکی، آبی و هوایی، یک نگاه ویژه دارند. در این کشورها به تفحص‌های حقوقی پرداخته شده و دقیق‌ترین و سخت‌گیرانه‌ترین قوانین با پشتوانه مالی زیاد، برای حفظ مرزها به اجرا گذاشته می‌شود. آموزه‌های اسلامی در ابعاد سیاسی بیان‌گر حساسیت اندیشه اسلام در باره حفظ دین، مال، جان و عرض مسلمانان است. از جمله اقداماتی که موجب صیانت از موارد مذکور می‌شود، مرزبانی از مرزهای خاکی، آبی و هوایی مسلمانان است. موضوع مرزبانی در مباحث فقه امامیه یک بحث ریشه‌دار است که دیدگاه فقهای امامیه را باید ناظر بر شرایط سیاسی و اجتماعی همان عصر مورد ارزیابی قرار داد. لکن با توجه به استدلال‌های فقهی و با عنایت به دانش اصول فقه، می‌توان وجوب حفظ مرزهای خاکی، آبی و هوایی را در نظام فقه امامیه دریافت نمود. لکن موضوع مرزبانی در فقه امامیه، تنها به یک حکم فقهی ختم نمی‌شود. بلکه با مذاقه در دقت‌های قرآنی، روایی و عقلایی، می‌توان بحث مرزبانی را در فقه امامیه به قامت قاعده فقهی نگریست. مزیت وسعت و گستردگی قاعده فقهی نسبت به حکم فقهی، این امکان را برای فقهای عصر حاضر ایجاد می‌کند که مسائل گوناگون مرزبانی را تحت قاعده «حفظ ثغور مسلمانان» به بحث گذاشته و قاعده مذکور را بر تمام مسائل مرزبانی تطبیق دهند.

### یادداشت‌ها

۱. یونس بن عبد الرحمن به ابو الحسن الرضا 7 گفت: قربانت شوم. یک نفر از وابستگان به مکتب می‌شوند که فلانی یک شمشیر و یک اسب مجانی تقدیم می‌کند تا بروند و در راه خدا جهاد کنند و چون از شرایط جهاد بی‌خبر بوده است، می‌رود و شمشیر و اسب را دریافت می‌کند تا به مرز برود. دوستان مکتبی با او مواجه می‌شوند و اطلاع می‌دهند که در سایه این حکومت، جهاد در راه خدا روا نیست و باید شمشیر و اسب را به صاحبش برگرداند. ابو الحسن 7 گفت: آری باید به صاحبش برگرداند. یونس گفت: آن مرد به جست‌وجو پرداخته، ولی صاحب شمشیر و اسب را نیافته است. به او گفته‌اند که صاحب اسب و شمشیر از این‌جا رفته است. ابو الحسن 7 گفت: در مرز متوقف شود، ولی پیکار نکند. یونس پرسید: مرز قزوین، دپلم، عسقلان و امثال آن کافی است؟ ابو الحسن 7

گفت: آری. یونس پرسید: اگر حمله‌ای صورت گرفت، به پیکار و جهاد پردازد؟ ابو الحسن 7 گفت: نه، مگر این که دشمن چیره باشد و از اسارت زنان و کودکان مسلمان خائف باشد. یونس گفت: بفرمایید که اگر رومیان بر سر مسلمانان بتازند، بر شیعیان روا نیست که جلو رومیان را بگیرند؟ ابو الحسن 7 گفت: شیعه ما می‌تواند در مرز نهبانی بدهد، ولی حق ندارد پیکار کند و اگر هستی اسلام و مسلمین به خطر افتاد، می‌تواند پیکار کند. در این صورت پیکار او یک مسأله شخصی است و با حکومت غاصب ارتباطی نخواهد داشت. یونس گفت: اگر دشمن بر مرز بتازد و او مشغول نهبانی باشد، تکلیف او چیست؟ ابو الحسن 7 گفت: در این صورت از هستی و موجودیت اسلام دفاع می‌کند، نه از سران حکومت؛ چرا که اگر اسلام پوشالی هم از بین برود، اسلام محمدی نیز از بین می‌رود.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیة، ج ۲، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
۴. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللئالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة، تحقیق: مجتبی عراقی، ج ۱، قم: سیدالشهداء، ۱۴۰۵ ق.
۵. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، تحقیق: محمود محمد طناجی و طاهر احمد زاوی، ج ۱، قم: اسماعیلیان، ج ۴، ۱۳۶۷.
۶. ابن ادریس، محمد بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (والمستطرفات)، تحقیق: حسن موسوی و ابوالحسن ابن مسیح، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۲، ۱۴۱۰ ق.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، تصحیح: علی اکبر غفاری، ج ۲، تهران: اسلامیة، ج ۲، ۱۳۹۵ ق.
۸. ابن درید، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، ج ۳، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۸ م.
۹. ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم والمحیط الأعظم، تحقیق: عبدالحمید هنداوی، ج ۵، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۱ ق.

۱۰. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، **المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز**، تحقیق: عبدالسلام عبدالشافی محمد، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ق.
۱۱. ابن فارس، احمد، **معجم مقاییس اللغة**، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، ج ۱، قم: مکتب الأعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
۱۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، ج ۲ و ۴، بیروت: دار صادر، ج ۳، ۱۴۱۴ق.
۱۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، **شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید**، تحقیق: محمدابوالفضل ابراهیم، ج ۱۷، قم: مکتبة آية الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۴. ابوالسعود، محمد بن محمد، **ارشاد العقل السليم إلى مزايا القرآن الكريم**، ج ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۱۵. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**، تحقیق: محمدجعفر یاحقی و محمدمهدی ناصح، ج ۵، مشهد مقدس: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی ۷، ۱۴۰۸ق.
۱۶. ابوحنیان، محمد بن یوسف، **البحر المحيط فی التفسیر**، تحقیق: صدقی محمد جمیل، ج ۳، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۰ق.
۱۷. ازهری، محمد بن احمد، **تهذیب اللغة**، ج ۱، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
۱۸. امام خمینی، سیدروح الله، **تحریر الوسیلة**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ، ۱۳۷۹.
۱۹. امام خمینی، سیدروح الله، **صحیفه امام**، ج ۱۶، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ، ج ۵، ۱۳۸۹.
۲۰. امام خمینی، سیدروح الله، **کتاب البیع**، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ، ۱۴۲۱ق.
۲۱. امام خمینی، سیدروح الله، **ولایت فقیه (حکومت اسلامی)**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ، ج ۲۹، ۱۴۳۴ق.
۲۲. امام خمینی، سیدروح الله، **ولایت فقیه**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ، ج ۲، ۱۴۲۳ق.
۲۳. باسورث، کلیفورد ادموند، **سلسله های اسلامی جدید**، ترجمه: فریدون بدره ای، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱.
۲۴. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، **جواهر الحسان فی تفسیر القرآن**، تحقیق: محمدعلی معوض و عادل احمد عبدالموجود، ج ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.



٢٥. ثعلبي نيشابوري، ابو اسحاق احمد بن ابراهيم، **الكشف و البيان عن تفسير القرآن**، تحقيق: ابو محمد بن عاشور، ج٣، بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٤٢٢ق.
٢٦. جعفرى تبريزى، محمد تقى، **رسائل فقهي**، تهران: كرامت، ١٤١٩ق.
٢٧. جمعى از مؤلفان، **مجلة فقه أهل البيت : (بالعربية)**، ج١، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامى بر مذهب اهل بيت ،: بي تا.
٢٨. جوهرى، اسماعيل بن حماد، **الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربية)**، ج٢، بيروت: دار العلم للملايين، ١٣٧٦ق.
٢٩. حرّ عاملى، محمد بن حسن، **تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة**، ج١٥، قم: مؤسسه آل البيت ،: ١٤٠٩ق.
٣٠. حسيني شيرازى، سيد محمد، **تقريب القرآن إلى الأذهان**، ج١، بيروت: دار العلوم، ١٤٢٤ق.
٣١. حوزى، عبدعلى بن جمعه، **تفسير نور الثقلين**، ج١، قم: اسماعيليان، ج٤، ١٤١٥ق.
٣٢. خوبى، سيد ابوالقاسم، **منهاج الصالحين**، ج١، قم: مدينة العلم، ج٢٨، ١٤١٠ق.
٣٣. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، **مفردات ألفاظ القرآن**، ج١، بيروت: دار القلم، ١٤١٢ق.
٣٤. زمخشري، محمود، **الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل فى وجوه التأويل**، ج١، بيروت: دار الكتاب العربى، ج٣، ١٤٠٧ق.
٣٥. سيزوارى، محمد بن حبيب الله، **إرشاد الأذهان إلى تفسير القرآن**، ج١، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات، ١٤١٩ق.
٣٦. سيزوارى، محمد بن حبيب الله، **الجديد فى تفسير القرآن المجيد**، ج٢، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات، ١٤٠٦ق.
٣٧. شبر، سيد عبدالله، **الجواهر الثمين فى تفسير الكتاب المبين**، تحقيق: سيد محمد بحر العلوم، ج١، كويت: مكتبة الألفين، ١٤٠٧ق.
٣٨. شعيرى، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، نجف اشرف: مطبعة حيدرية، بي تا.
٣٩. شهيد ثانى، زين الدين بن على عاملى، **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**، ج٣، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ١٤١٣ق.
٤٠. شيخ صدوق، محمد بن على بن بابويه، **معانى الأخبار**، تحقيق: على أكبر غفارى، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٤٠٣ق.

۴۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمدجواد بلاغی، ج ۲ و ۳، تهران: ناصر خسرو، ج ۳، ۱۳۷۲.
۴۲. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، الجمل و العقود فی العبادات، مشهد مقدس: دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۷.
۴۳. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تحقیق: حسن موسوی خراسان، ج ۶، تهران: اسلامیة، ج ۴، ۱۴۰۷ق.
۴۴. طیب، عبدالحسین، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، تهران: اسلام، ج ۲، ۱۳۶۹.
۴۵. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، تذکرة الفقهاء، ج ۹، قم: مؤسسه آل البيت، لإحياء التراث، ۱۴۱۶ق.
۴۶. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۱۴، مشهد مقدس: مجمع البحوث الاسلامیة، ۱۴۱۲ق.
۴۷. علی بن الحسین ۷، امام چهارم، الصحیفة السجادیة، قم: الهادی، ۱۳۷۶.
۴۸. فاضل مقداد، جمال الدین عبدالله سیوری، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۱، قم: منشورات المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، بی تا.
۴۹. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ج ۹، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۳، ۱۴۲۰ق.
۵۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۷ او ۷، قم: هجرت، ج ۲، ۱۴۰۹ق.
۵۱. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تحقیق: حسین اعلمی، ج ۱، تهران: الصدر، ج ۲، ۱۴۱۵ق.
۵۲. قاسمی، محمد جمال الدین، محاسن التأویل، تحقیق: محمد باسل عیون السود، ج ۲، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق.
۵۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۵ و ۸، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ج ۴، ۱۴۰۷ق.
۵۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار، ج ۱۱۰، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۲، ۱۴۰۳ق.
۵۵. مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، ج ۱۸، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ج ۲، ۱۴۰۴ق.
۵۶. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، تحقیق: عبدالحسین محمدعلی بقال، ج ۱، قم: اسماعیلیان، ج ۲، ۱۴۰۸ق.

۵۷. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، ج ۱، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ج ۱۲، ۱۴۰۶ق.
۵۸. مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، ج ۴، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۵۹. مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی - پژوهشکده فقه و حقوق، مأخذشناسی قواعد فقهی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۱ق.
۶۰. مغنیه، محمدجواد، التفسیر الکاشف، ج ۲، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۲۴ق.
۶۱. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، زبدة البیان فی أحكام القرآن، تهران: المكتبة الجعفریة لإحياء الآثار الجعفریة، بی تا.
۶۲. مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیة، ج ۱، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب ۷، ج ۳، ۱۴۱۱ق.
۶۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۳، ۷ و ۴، تهران: اسلامیة، ۱۳۷۴.
۶۴. میدی، احمد بن محمد، كشف الأسرار و عدة الأبرار، تحقیق: علی اصغر حکمت، ج ۲، تهران: امیرکبیر، ج ۵، ۱۳۷۱.
۶۵. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن گیلانی، جامع الشتات فی أجوبة السؤالات، ج ۱، تهران: مؤسسه کیهان، ۱۴۱۳ق.
۶۶. نائینی، محمد حسین، فوائد الأصول، ج ۱، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶.
۶۷. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام (ط. الحدیثة)، ج ۱۱، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، ۱۴۲۱ق.
۶۸. نوری همدانی، حسین، پایگاه درس خارج فقه، ۱۳۸۷/۱۲/۲۷.
۶۹. نیشابوری، نظام الدین، حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، تحقیق: زکریا عمیرات، ج ۲، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۶ق.